

جنگ جریان روایتی از نبرد قیمت‌ها

معرفی منابع آموزشی

اشاره

کتاب خوب، ابزار کار معلم هوشمند است. ارجاع دادن دانش‌آموزان به منابع خوب مکتوب برای تعمیق یادگیری و ارتقای فهم بچه‌ها در عصر رسانه‌های پر زرق و برق مجازی می‌تواند دستاوردهای متعددی در آموزش سواد رسانه‌ای داشته باشد. در این بخش یکی از این منابع خوب را به شما معرفی می‌کنیم.

مواجهه با واقعیت تاریخی توسعه فناوری برای دانش‌آموزان می‌تواند درس‌آموز و راهگشا باشد. وقتی این مواجهه از دریچه آثار سینمایی باشد، جذابیت و ماندگاری بیشتری دارد. استفاده از آثار سینمایی و مستند خوب و باکیفیت هم در تدریس «سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای» ضروری و اثرگذار است. وقتی همه این موارد در کنار هم قرار می‌گیرند نمی‌توان از کنار فیلم شاخصی مثل «جنگ جریان»^{*} به سادگی عبور کرد.

جنگ جریان فیلمی در گونه (ژانر) تاریخی درام به کارگردانی آلفونسو گومز-رون محصول سال ۲۰۱۷ است که در سال ۲۰۱۹ اکران شد. از بازیگران آن می‌توان به بندیکت کامبریج در نقش توماس ادیسون (مخترع و مبتکر نام‌آور)، مایکل شنون در نقش جرج وستینگهاوس (مهندس و مخترع آمریکایی)، نیکلاس هولت در نقش نیکولا تسلا (مخترع مشهور صربستانی) و تام هالند در نقش ساموئل اینسول (دستیار ادیسون) اشاره کرد.

داستان فیلم جنگ جریان، رقابت بین دو تن از برترین مخترعان و فناوران تاریخ یعنی توماس ادیسون و جرج وستینگهاوس را در آخرین سال‌های قرن نوزدهم میلادی بر سر توسعه جریان الکتریکی در کشور آمریکا به نمایش می‌گذارد. داستان به مستندات و واقعیت‌های تاریخی وفادار و بر واقعیت مبتنی است.

بر خلاف تصور اولیه مخاطب از موضوع جنگ جریان، در این فیلم قرار نیست لحظات اختراع لامپ یا اختراع

برق را ببینیم. تمرکز فیلم روی رقابت دو گروه اقتصادی - مهندسی بزرگ بر سر توسعه جریان الکتریسیته در سرزمین پهناور آمریکاست. موضوع فیلم این نیست که چه کسی برق را اختراع کرد، بلکه این است که برق چگونه توسعه پیدا کرد. این زاویه نگاه بدیع و خاص، فیلم را به کلاس درس «تاریخ فناوری» تبدیل کرده است. ادیسون به‌عنوان مشهورترین مخترع قرن، در این فیلم با پافشاری بر استفاده از جریان برق مستقیم (DC) و مهندس وستینگهاوس با همراهی نیکولا تسلا با توسعه جریان برق متناوب (AC) به مبارزه با هم می‌پردازند. در این فیلم مراحل توسعه فناوری به‌خوبی نشان داده شده است: کشف نیاز، توسعه علم و تولید آزمایشگاهی فناوری، جذب سرمایه و حمایت‌های سیاسی، راه‌اندازی کارخانه‌ها و خط تولید و در نهایت تبلیغات و عرضه فناوری به مردم، همه این موارد با جزئیات باورپذیر و در رقابتی نفسگیر و مهیج به مخاطب نشان داده می‌شوند. از جالب‌ترین نکته‌های این واقعه تاریخی آن است که برخلاف تصور عمومی و انگاره‌هایی که در ذهن همه ما وجود دارد، برنده جنگ جریان نه ادیسون، بلکه جناب وستینگهاوس است! فیلم علت این پیروزی را به‌خوبی توضیح می‌دهد: «صرفه اقتصادی». در یکی از مهم‌ترین صحنه‌های فیلم، وستینگهاوس در مقابل هیئت داوری که باید بین فناوری برق او و ادیسون یکی را انتخاب کنند، دفاع از کار خودش فقط یک جمله می‌گوید: «فناوری من ارزان‌تر است!» و همین یک جمله منجر به برتری او در جنگ جریان می‌شود.

داستان حاشیه‌ای و جالب دیگر در این فیلم، کاربرد فاجعه‌آفرین فناوری الکتریسیته در اعدام محکومان به مرگ در آمریکاست که به‌خوبی ابعاد غیرانسانی توسعه یک فناوری را نشان می‌دهد؛ موضوعی که معمولاً در تبلیغات شرکت‌های توسعه‌دهنده فناوری به‌عمد ناگفته می‌ماند.

بعد از تماشای این فیلم درباره اثر عوامل گوناگون در توسعه فناوری، مثل مخترعان، مهندسان، کارگران، رسانه‌ها، سرمایه‌داران و سیاستمداران، با بچه‌ها صحبت می‌کنیم. آن‌ها بعد از کشف رابطه این عوامل با هم باید بتوانند درباره سایر فناوری‌های متداول، مثل فناوری‌های حمل و نقل، فناوری ارتباطات و اطلاعات و فناوری‌های رسانه‌ای، همین روابط را کشف کنند و دلایل و مسیرهای پیشرفت هر کدام از این فناوری‌ها را تحلیل کنند.

این فیلم سینمایی در چند سال گذشته بارها از شبکه‌های گوناگون صدا و سیما پخش شده است و می‌تواند مکمل خوبی در بحث «چستی فناوری و ساحت‌های اثرگذاری آن» باشد.

پی‌نوشت



معرفی فیلم